

# درس نود و ششم – نگاهی به پسوندهای weg, los, vorbei

## در زبان آلمانی

سلام دوستان

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به پسوندهای weg, los, vorbei و بررسی خواهیم کرد ، در صورت اضافه شدن این پسوندها به افعال ما ، چه معنی و مفهوم تازه ای به آنها میدهد.

vorbei به تنهایی معانی زیر را داراست

بعداز ، پس از ، به پایان رسیده ، تمام شده ، گذشته از جلوی چیزی با شخصی

فرض کنید که مثلا به کسی می گویم ، من می آیم سر راه یک سری هم به تو میزنم.

برای ساخت چنین جمله ای در زبان آلمانی ، می توانیم vorbei را با فعل kommen ترکیب کنیم.

vorbeikommen یک فعل جدا شدنی

سر زدن ، از جایی گذشتن

Ich komme gern mal bei dir vorbei

با کمال میل می آیم بهت سر میزنم

پس نتیجه می گیریم که هرگاه پسوند vorbei با هر فعلی ترکیب شود ، آنگاه به آن مفهوم گذشتن را میدهد ، مثلا اگر با فعل رفتن ترکیب شود ، معنی از آنجا گذشتن یا از آنجا رد شدن را میدهد. یا اگر با فعل رفتن با ماشین یا وسیله نقلیه ترکیب شود ، یعنی با وسیله نقلیه از جایی یا مکانی گذشتن ، یا رد شدن

چند مثال دیگر :

An jemandem vorbeigehen, ohne ihn zu erkennen

از کنار کسی گذشتن ، بدون اینکه او را بشناسیم

در اینجا vorbei با فعل gehen ترکیب شده است و معنی ، رد شدن ، از کنار کسی عبور کردن ، گذر کردن و ... را میدهد.

Ein schnelleres Fahrzeug vorbeilassen

اجازه بدیم یک وسیله نقلیه سریع از کنار ما سبقت بگیرد یا از کنار ما عبور کند

در اینجا vorbei با فعل lassen ترکیب شده است و معنی : اجازه عبور دادن ، اجازه رد شدن و ... را داده است

los به تنهایی به معانی زیر است :

هرگاه به عنوان صفت استفاده شود :

رها ، آزاد ، ول ، نجات یافتن ، رها شدن ، خلاصی یافتن ، دارا بودن استعداد ، داشتن مهارت یا کفایت

هرگاه به عنوان یک اسم مذکر مورد استفاده قرار بگیرد

Der Los

سرنوشت ، تقدیر ، قسمت ، فال

اما در این درس ما می خواهیم یاد بگیریم که هرگاه با افعال ترکیب می شود چه معنی میدهد

فرض کنید ، من یک کسی یا چیزی را گرفته ام و شما می آید می گوئید ، بذار بره ، آزادش کن بره ، رهاش کن بره

این بره ها که به افعال اضافه شده دقیقا همان los ما در زمان آلمانی است. البته گاهی هم می تواند آن فعل را به شکل منفی در بیاورد و دقیقا نقطه مقابل معنی اصلی فعل شود.

چند مثال :

Lass mich los!

بذار برم ، رهام کن ، آزادم کن

los گاهی می تواند تصویری اینگونه در ذهن شنونده ایجاد کند ، که مثلا از جایی کندن و رفتن

losgehen

از جایی کندن و رفتن , رهسپار شدن ، در رفتن

losfahren

از جایی کندن و با وسیله نقلیه رفتن ، شروع به رانندگی کردن

Wir waren schon um acht Uhr losgegangen

ما راس ساعت ۸ حرکت کرده بودیم

این حرکت اینگونه تصویر سازی می شود که از آنجا کندیم و عازم شدیم به سمت مقصد ، از جایی قبلی رها شدیم تا برویم به

سمت مقصدی که می خواستیم.

یعنی los در اینجا معنی و مفهوم کندن از نقطه A و رفتن به نقطه B را میدهد

weg به تنهایی به معانی زیر است :

هرگاه به عنوان اسم مورد استفاده قرار بگیرد

Der Weg

راه ، طریق ، مسیر ، گذر ، سفر کردن ، به راه افتادن ، دور شدن ، رفتن راه زندگی ، مسیری که باید طی شود ، جاده ، شاهراه ، روش ، طرز ، شیوه

هرگاه به عنوان صفت استفاده شود به معانی زیر است :

رفته ، دور ، دورشده ، دور از چشم ، مفقود ، غایب ، گم شده ، شیفته ، شیدا ، شوریده ، از خود بی خود شده ، مسحور

اما اگر با افعال ترکیب شود چه معنی و مفهومی به آنها میدهد ؟

weggehen

به جایی دیگری رفتن

این رفتن اینگونه باید تصویر سازی شود که ما از نقطه A دور می شویم تا به نقطه B برسیم. پس همواره در حال دور شدن از نقطه مبدا که همان نقطه A است ، می باشیم.

مثلا : اگر سر درد داشته باشیم ، در زبان فارسی می گویم که این قرص ها بهت کمک میکنند که سر درد از بین بره ، در تفکر آلمانی گفته می شود که به وسیله این قرص ها سر درد دور می شود

Von den Tabletten gehen die Kopfschmerzen schnell weg

به سبب این قرص ها ، آن سر درد به سرعت از بین میرود ( دور میشود )

با جستجو در سایت می توانید به مثال های بیشتری در ارتباط با پسوند weg با افعال بدست بیاورید.

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، مثال ، سوال یا نظری دارید ، می توانید آنها در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de